

دعا پیوند انسان با خدا

* محمد بیابانی اسکویی

چکیده: نگارنده در این گفتار، دعا را از نظر بعضی دانشمندان لغت، آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی و آیه‌الله میرزا محمدباقر ملکی میانجی معنا کرده است. سپس به اهمیت دعا از دیدگاه قرآن و روایات اشاره می‌کند، که وسیله تقرب به درگاه خدا و یادآوری انسان به فقر و نیازمندی ذاتی او است. ارتباط دعا با گرفتاری‌ها و شداید، و پیوند دعا با بداء - که یکی از مهم‌ترین آموزه‌های توحید در قرآن و بیان ائمه اطهار علیهم‌السلام است - نیز مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها: دعا / توحید / انسان، فقر ذاتی / دشواری‌ها / بداء / اصفهانی، میرزا مهدی / ملکی میانجی، محمد باقر.

معنا و مفهوم دعا

دعا در لغت عرب به معنای خواندن و ندا کردن است.

دعا فلاناً صاح به و ناداه. دعا الله رجا منه الخیر. (۱)

فلانی را خواند یعنی به او بانگ زد و ندایش کرد. و خدا را خواند یعنی از او امید خیر برد.

عوامل و انگیزه‌های دعا و خواندن متفاوت است. و برای بیان این تفاوتها از حروف جرّهای مختلف در زبان عربی استفاده می‌شود. گفته می‌شود:

دعا لفلان یعنی برای او طلب خیر کرد. و دعا علی فلان یعنی طلب شرّ برای او کرد.

و يزيد يعني او را به اسم زيد خواند إلى الشيء يعني به قصد آن ترغيب کرد. (۱)

معنای دعا از نظر مرحوم میرزا مهدی اصفهانی

میرزای اصفهانی (ره) با دقت در کاربردهای واژه دعا و صلاة و اختلاف میان آن دو و عدم اعتقاد به ترادف آنها می‌فرماید:

و ظاهر أنّ الدعا لا يكون إلاّ متعدّيًا و الصلاة لا يستعمل إلاّ لازماً. فيظهر عدم الترادف فيهما.

فحقيقة الأمر أنّ الدعا ليس هو النداء بل النداء من أحد أنحاء الدعا؛ و الدعا هو التوجّه و الإقبال إلى الغير من حيث إنّهُ توجيه المدعوّ إلى الداعي فإنه يطلق على الأدعية المأثورة حقيقة. و كلّها توجّهات إلى الله تعالى بالثناء و التحميد و طلب المغفرة، و المسألة. و الصلاة عبارة عن التوجّه إلى الغير من غير تقييده بكونه توجيهاً للغير إلى الداعي. (۲)

روشن است که همه جا کاربرد دعا متعدی است و نماز لازم. پس معلوم می‌شود این دو مترادف نیستند.

حقیقت آن است که دعا به معنای ندا و بانگ زدن نیست، بلکه ندا کردن یکی از جهات دعا است. دعا عبارت است از توجه و روی آوردن به دیگری برای متوجه کردن او به سوی خود. زیرا که استعمال واژه دعا در دعاها منقول در متون دینی به صورت حقیقت است، در حالی که همه آنها توجّهاتی به سوی خدایند که با ثنا و ستایش و طلب آمرزش و درخواست کمک تحقق پیدا می‌کند. و نماز عبارت از توجّه کردن به دیگری است بدون در نظر گرفتن توجّه دادن او به سوی خود.

همین معنا را مرحوم ملکی میانجی یکی از شاگردان ایشان به این صورت بیان می‌کند:

الظاهر أنّ الدعا هو التوجّه و الإقبال إلى الغير بعناية توجّه الغير إلى الداعي و



إجابته، بخلاف الصلاة؛ فإنَّ المراد منها هو التوجُّه المطلق من دون العناية بطلب
اقبال الغير إلى الداعي و عدم دخالة هذه العناية في العناية في تحقُّق مفهوم
الصلاة: (١)

ظاهراً دعا به معنای توجه و روی آوردن به دیگری است، برای متوجه کردن او به
سوی خود، به خلاف صلاة که مقصود از آن فقط توجه نمودن به غیر است بدون در
نظر گرفتن توجیه او به سوی خود. و این جهت در مفهوم صلاة دخالتی ندارد.

اهمیت دعا

دعا پیوندی است میان انسان محتاج و نیازمند مطلق با خدای دانا و توانا و بی نیاز
مطلق. خدایی که همواره با نیازمندیانی که به سوی او دست نیاز برمی دارند، با مهربانی و
عطوفت و بخشندگی برخورد می کند. خدایی که به کرامت و فضل و احسان و مغفرت و
چشم پوشی و محبت و انس گرفتن با بندگان موصوف است.

دعا روی آوردن به درگاه اوست که از همه به انسان نزدیکتر و آگاهتر و مهربانتر است.
دعا یادآوری خداست که می فرماید:

اذکروني أذکرکم. (٢)

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.

برای انسان چه چیزی بالاتر از این می توان یافت که خدا او را یاد کرده و مورد لطف و
عنایت و توجُّه خویش قرار دهد؟ توجُّه و عنایتی که با اندکی توجُّه و یاد او تحقیق پیدا
می کند.

دعا اعتراف به بندگی خدا و اظهار خشوع و خضوع و فروتنی به پیشگاه اوست.
دعا برقرارکردن پیوند بندگی میان انسان و خداست آنگاه که انسان از او غافل و دور
گردیده است.

دعا وسیله ای برای رسیدن به درجات عالی معرفت و عطایای بزرگ الهی است.

دعا و عبادت

عبادت به معنای خضوع و خشوع و فروتنی است. دعای بندگان الهی یکی از مصادیق روشن خضوع و فروتنی آنها نسبت به درگاه خداوند سبحان است. بنده‌ای که با خدای خویش به راز و نیاز پرداخته و از مشکلات زندگی و سختی‌ها و گرفتاری‌ها به او پناه می‌برد، درحقیقت اقرار به مولویت و آقایی او کرده و عبودیت و بندگی خویش را تصدیق و اذعان می‌نماید. خدای تعالی می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۱)

آنان که از عبادت و بندگی من استکبار می‌کنند با ذلت و خواری داخل جهنم می‌شوند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه در توضیح استکبار از عبادت الهی می‌فرماید:

هو الدعاء. و أفضل العبادة الدعاء... (۲)

مقصود از عبارت دعاء است و دعا بهترین عبادت است.

نیز می‌فرماید:

ادع و لا تقل قد فرغ من الأمر، فإن الدعاء هو العبادة. إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي...» (۳)

دعا کن و نگو خدا همه آنچه خواهد شد تقدیر کرده است. همانا دعا عبادت خداست. خدای تعالی می‌فرماید: «آنان که از عبادت من استکبار می‌کنند...»

استاد آیه الله ملکی میانجی (ره) در توضیح این مطلب می‌نویسد:

سؤال و طلب کردن از شخص فقیر که فقرش ذاتی اوست و همین‌طور پناه آوردن او به درگاه غنی مطلق، از مصادیق روشن عبادت و فروتنی است. البته این امر باید با توجه و اقرار به شؤن مولویت خدای تعالی و با اعتراف به بندگی دعا کننده صورت بگیرد که داعی خود را از همه جهات، فقیر و نیازمند بداند و متوجه باشد که او خودش نمی‌تواند نفعی به خودش برساند یا ضرری را از خود دور کند.



دعا به درگاه الهی به این کیفیت، با استکبار و خودبزرگ بینی در تضاد است. به همین جهت کسی که از دعا دوری می‌گزیند، در حقیقت ذلت و بندگی خویش را انکار کرده و در مقابل خداوند متعال برای خود شأنی قائل می‌شود و نیازی به او نمی‌بیند. (۱)

پس انسان در دعا و به وسیله دعا، حقیقت بندگی و فقر و نیاز خویش را ابراز می‌دارد، به غنای اطلاقی خداوند سبحان و مولویت او اقرار نموده و از او به بزرگی یاد می‌کند. حقیقت عبادت و عبادت حقیقی هم همین است. و چنانکه نقل گردید، این معنا بهترین عبادت است.

دعا وسیله تقرب به خدا

ذکر و یاد خدا یکی از وظایف مهم بندگی است که هیچ بنده، نباید در هیچ حالی از آن غفلت کند. یاد خدا دلها را آرامش داده و اضطراب و شک و تردید را از آن دور می‌کند. خداوند بندگانش را امر به ذکر نموده می‌فرماید:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلاً. (۲)

ای آنان که ایمان آوردید، خداوند را فراوان یاد کنید و او را صبح و عصر تسبیح کنید.

در آیه دیگر، فلاح و رستگاری را از آثار ذکر شمرده و می‌فرماید:

و اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (۳)

خدا را فراوان یاد کنید تا رستگار شوید.

غفلت از یاد خدا و ترک ذکر او، موجب سنگدلی و قساوت قلب می‌گردد چنانکه

خداوند متعال در حدیث قدسی فرمود:

ترك ذكرى يقسى القلوب. (۴)

۳- جمعه / ۱۰.

۲- احزاب / ۴۱.

۱- مناہج البیان ۲ / ۱۲۷.

۴- کافی ۲ / ۴۹۷؛ بحارالانوار ۱۳ / ۳۴۲.

ترک ذکر من قساوت قلب می آورد.

پس یاد خدا دل را آرامش داده و قساوت قلب را از بین می برد. یاد خدا بودن قلب را صیقل زده و آن را صفا و نورانیت می دهد. آنکه دلش به یاد خداست هیچ درد و رنج و ستمی را نمی بیند، و جز اینکه از ته دل خدایش را می خواند و برای رفع دردهای خود، دعا می کند. دعا همانطور که ذکر شد توجه به مدعو است برای این که او را به داعی متوجه سازد برای امری که مورد نظر داعی است. بنده در حد ذات خویش فقر و نیازمندی است، احتیاج سرپای وجود او را فراگرفته است و با تمام وجود به مولا و صاحبش نیاز دارد. روشن است ذکر و یاد خدا از سوی چنین بنده ای هدفی جز این را دنبال نمی کند که خدایش او را بنده خویش شمرده و با لطف عنایت او را مورد توجه خویش قرار دهد. همین یاد خدا و توجه نمودن به او و دعا و راز و نیاز به درگاهش راه قرب و نزدیکی به او را برای انسان هموار می کند و انسان را در درجات معرفت و نزدیکی به او بالاتر می برد. چرا که اگر بنده قدمی به سوی خدای مهربان و مولای کریم و ارجمند بردارد، او قدمها به سوی بنده خواهد آمد. پیامبر ﷺ خطاب به ابوذر فرمود:

احفظ الله يحفظك الله. و احفظ الله تجده أمامك. تعرّف إلى الله في الرخاء يعرفك في الشدة. (۱)

دعا: پیوند انسان با خدا



خدا را مراعات کن تا او هم تو را مراعات کند. خدا را مراعات کن تا او را پیش روی خود بیابی. در گشایش و آسایش خدا را یاد کن تا در سختی و دشواری یادت کند. بنده نباید فقط به هنگام گرفتاری و سختی به یاد خدا باشد، بلکه بنده خوب را سزاوار است که در حال آسایش و گشایش و بی نیازی بیشتر به یاد او باشد تا مشمول توجهات و عنایاتش در همه حال گردد. بنده ای که با اندکی غنا و سلامتی از یاد خدای خویش غفلت ورزد، نباید از مولای خویش انتظار داشته باشد که در سختی و گرفتاری به یاد او باشد؛ گرچه خدای سبحان مولایی کریم و بزرگوار است و از خطاهای بندگانش به سادگی می گذرد و توبه و برگشت آنها را به راحتی می پذیرد، بلکه توبه کنندگان را

دوست دارد.

دعا ارتباطی خاص با خداوند متعال است. بنده در دعا و با دعا خدا را با خود می‌یابد و به او دلگرم می‌شود، امید به رفع مشکلات و گرفتاری‌هایش و برآوردن نیازهایش و تداوم حیات و زندگی‌اش را در گرو دوستی و معرفت او می‌داند. دعا پیوند محکمی بین بنده و مولایش برقرار می‌کند که بنده خود را موظف به حفظ حرمت مولایش بداند و خدا در مقابل خواسته‌های بنده‌اش با لطف و کرم با او برخورد می‌کند و او را به خود نزدیک‌تر می‌دارد. به همین جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

عليكم بالدعاء فإنكم لا تقرّبون بمثله. ولا تتركوا صغيرة لصغرها أن تدعوا بها، إن صاحب الصغار هو صاحب الكبار. (۱)

بر شما باد دعا. همانا چیزی مانند آن وجود ندارد که شما را به خدا نزدیک کند. طلب خواسته‌های هرچند کوچک را از خدا، بخاطر کوچکی آنها ترک نکنید؛ زیرا صاحب و برآورنده حاجات کوچک همان خدای برآورده کننده حاجات بزرگ است. پس دعا یکی از راه‌های نزدیکی به خداست. بنابراین اگر می‌خواهی به قرب خدا نایل شوی، با او باشی، او را در کنار خویش احساس کنی و ارتباط خویش را با او هرچه محکم‌تر سازی، باید همیشه و برای همه چیز به درگاه او رو آوری، در همه امور زندگی خود به یاد او باشی و از او استعانت جویی. و به همین جهت است که امیرالمؤمنین علیه السلام بهترین اعمال انسان را دعا شمرده می‌فرماید:

أحبّ الأعمال إلى الله عزّوجلّ في الأرض الدعاء. (۲)

محبوبترین اعمال نزد خدای تعالی در روی زمین، دعاست.

خداوند متعال نیز ارج نهادن به انسانها را به دعا گره زده و می‌فرماید:

قل ما يعبأكم ربّي لولا دعاؤكم. (۳)

بگو اگر دعای شما نبود، پروردگار من به شما ارج نمی‌نهاد و اعتنایی نمی‌کرد.

پس دعا باید همراه با معرفت و توجه به خداوند سبحان باشد و در غیر این صورت

اجابت نخواهد شد. امام صادق علیه السلام در تعلیل عدم اجابت دعای برخی فرمود:

لأنکم تدعون من لا تعرفونه. (۱)

زیرا شما کسی را که نمی‌شناسید می‌خوانید.

دعا و گرفتاری و شداید

فقر، ناداری، نیازمندی، ناتوانی، مرض و گرفتاری را می‌توان از عوامل مهم سؤال و گدایی به حساب آورد. از سوی دیگر بی‌نیازی، ثروت، صحت، توانایی، رفاه و آسایش از مهمترین عوامل غفلت و استکبار و برتری‌طلبی و خودبینی به شمار می‌آید. فقر و ناداری و ناتوانی خود، مراتب مختلف دارد که هر اندازه شدیدتر گردد، به همان اندازه هم صبر و تحمل انسان دشوارتر می‌شود و در نتیجه دست به سوی این و آن دراز کرده و رو به گدایی می‌آورد. در این مراحل سخت و دشوار است که خداوند سبحان بر انسان با غنا و قدرت و رحمت و کرامت خویش تجلی می‌کند و انسان خداشناس با تمام وجود خویش رو به سوی او می‌آورد. و فقط با او مشکلات و حاجات خویش را در میان می‌گذارد. البته روشن است بلا و گرفتاری گاهی به حدی می‌رسد که امید انسان از همه چیز بریده می‌شود. تنها امید به خداوند است که در آن لحظه در همه انسانها اعم از مؤمن و کافر و مشرک بروز می‌کند. در آن حال هیچ انسانی به ناامیدی مطلق گرفتار نمی‌شود و اگرچه چیزی نمی‌تواند بر زبان آورد، ولی در اندرون وجود خویش تعلقی به قدرتی مافوق همه قدرت‌ها می‌یابد که می‌تواند او را از آن بلا و گرفتاری نجات دهد، پس به او متوجه شده و از او استعانت و یاری می‌جوید. امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌فرماید:

الله: اوست که هر مخلوقی هنگام حوایج و شداید، امیدش از غیر او بریده می‌شود و از همه اسباب قطع امید می‌کند و به او پناه می‌برد.... و این همان است که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا به خداوند هدایت کن،



چرا که مجادله کنندگان با جدال‌های خویش مرا به تحیر انداخته‌اند.
حضرت فرمود: ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده‌ای؟ گفت: آری.
حضرت فرمود: آیا اتفاق افتاده است که کشتی بشکند و کشتی دیگری هم نباشد
که نجات دهد، شنا کردن هم ندانی تا بتوانی خود را نجات دهی؟
گفت: آری.

فرمود: آیا در آن هنگام، در دلت به چیزی امیدوار بودی که بتواند تو را از آن
گرفتاری رها کند؟
گفت: آری.

حضرت فرمود: آن [که به او امید داشتی] خداست که بالاتر از همه نجات‌دهندگان
است. و اوست که وقتی دست انسان از همه کوتاه شود به دادش می‌رسد... (۱)

خداوند سبحان هم در آیات فراوانی به این امر اشاره کرده و می‌فرماید:

رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَإِذَا
مَسَّكُمْ الضَّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهًا فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ
الْإِنْسَانُ كَفُورًا. (۲)

پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد تا از
فضل او برای خود بجوید، چرا که او همواره به شما مهربان است. و هنگامی که در
دریا به شما صدمه‌ای برسد، هرکه جز او می‌خوانید گم می‌گردد. و آنگاه که شما را
به سوی خشکی رهانید، رویگردان می‌شوید. و انسان همواره ناسپاس است.

بدیهی است که انسان هیچگاه نباید به غیر خدا امیدوار شود، زیرا هیچکس غیر از
خدای تعالی سزاوار چنین امری نیست، مگر اینکه امید به او در حقیقت از ناحیه خدای
سبحان امضا شده باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيَبْأَسْ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ وَلَا يَكُنْ لَهُ
رَجَاءٌ إِلَّا مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنَّهُ إِذَا عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ شَيْئًا

إِلَّا أَعْطَاهُ. (۱)

کسی که می‌خواهد خدا آنچه از او می‌خواهد برایش عطا کند، باید از همه مردم قطع امید کند و جز خدا به کسی دیگر امید نداشته باشد. و خداوند متعال وقتی در دل بنده خویش این امر را بیابد، هرچه از او بخواهد به عطا می‌کند.

پس انسان تنها خلوص در دعا باید داشته باشد بلکه دعا و توجه او به خداوند سبحان در همه حال به یک صورت باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

ما المبتلى الذي قد اشتدَّ به البلاء بأحوج إلى الدعاء من المعافي الذي لا يأمن البلاء. (۲)

آن کس که شدیداً به بلا مبتلاست، محتاج‌تر به دعا نیست از کسی که مبتلا نیست ولی هر لحظه آن را انتظار می‌کشد.

دعا و بدا

یهود بر آن بود که خداوند متعال، نقشه همه امور عالم را به طور کامل کشیده و قلم قضا بر آن جاری گشته است. به عقیده آنها تمام حوادث و وقایع عالم هستی طبق همان نقشه قبلی و مشیت ازلی الهی پیاده می‌شود، نه چیزی از آن کم می‌شود و نه چیزی بدان افزوده می‌شود و خدای سبحان کار جدیدی انجام نمی‌دهد. خداوند سبحان در پاسخ آنها می‌فرماید:

وقالت اليهود يدالله مغلولة غلَّتْ أيديهم ولُعِنُوا بما قالوا بل يدها مبسوطتان ينفق كيف يشاء (۳)

و یهود گفتند: دست خدا بسته است. دستهای خودشان بسته باد و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند، بلکه هر دو دست او گشاده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند.



۱- بحارالانوار ۹۳ / ۳۵۵ ۲- نهج البلاغه، کلمات فصار / ۳۰۲.

۳- المائدة / ۶۴.

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه فرمود :

لم یعنوا أنه هكذا ولكنهم قالوا: قد فرغ من الأمر فلا يزيد ولا ينقص... (۱)
منظور آنها از این سخن، آن نیست که خدا هم مانند ما انسان‌ها دست بسته باشد، بلکه منظورشان این است که خدا امر خلقت را به پایان برده است، در آن نه چیزی می‌افزاید و نه چیزی کم می‌کند.

بدیهی است براساس این نظریه، دعا و استغفار و توبه معنایی ندارد و هرچه از اول مشیت ازلی الهی بر آن تعلق گرفته تحقق پیدا خواهد کرد. ولی خداوند سبحان این سخن یهود را ابطال کرده و بازبودن دستان خویش را بیان کرده و تصریح می‌کند که :

يمحو الله ما يشاء ويثبت و عنده أم الكتاب. (۲)

خدا آنچه را بخواهد، محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد اوست.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید :

و هل يمحي إلا ما كان ثابتاً؟! و هل يثبت إلا ما لم يكن؟! (۳)

آیا جز آنچه ثابت است محو می‌شود؟! و آیا جز آنچه وجود ندارد ثبت می‌شود؟!

به همین جهت است که امام علیه السلام می‌فرماید:

ادع الله عزوجل ولا تقل إن الأمر قد فرغ منه. (۴)

خدا را بخوان و مگو که خدا امر خلقت را به پایان رسانده است.

پس خداوند سبحان، مالک علی الإطلاع و قادر مختار آزاد و حکیم است. همه کارهایش را براساس جود و فضل و حکمت به جا می‌آورد. هرچه را بخواهد از بین می‌برد و آنچه را که بخواهد ایجاد می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

الحمد لله الذي لا يموت ولا تنقضي عجائبه، لأنه كل يوم في شأن، من إحداث بدیع لم يكن. (۵)

حمد خدای راست که مرگ در او راه ندارد و شگفتی‌هایش به پایان نمی‌رسد، زیرا

۳- تفسیر عیاشی ۲ / ۲۱۵.

۲- رعد / ۳۹.

۱- توحید صدوق / ۱۶۷.

۵- کافی ۱ / ۱۴۱.

۴- کافی ۲ / ۴۶۷.

که او هر روز در شأنی خاص است که چیز تازه‌ای که نبود ایجاد می‌کند.

بدیهی است که منظور از ایجاد امر جدید و تازه، این نیست که خداوند متعال در امر خلقت هر روز چیزهایی را می‌آفریند که پیش از این شبیه و نظیر آن را نیافریده بود، بلکه منظور آن است که خداوند متعال چیزی را تقدیر و خلق می‌کند که سابقه هیچگونه تقدیری برای آن نشده بود. و این امر با توجه به آیه شریفه ذیل روشن است.

یزید فی الخلق ما یشاء. (۱)

اضافه می‌کند در خلق آنچه را که بخواهد.

زیاد شدن خلق با مشیت ازلی و بسته شدن طرح و نقشه عوالم هستی در تنافی و تضاد است بلکه بی‌معناست. و همین طور روایاتی که در زیاد شدن عمر به صلح ارحام و تغییر قضا و قدر به واسطه دعا بر این معنا تأکید می‌کند که بدا به معنای این است که خداوند سبحان همیشه و در هر لحظه صاحب اختیار و رأی است و هر لحظه بخواهد تغییری در نظام موجود مقدر شده انجام دهد آن را بوجود می‌آورد و اگر بخواهد چیزی را که هیچگونه تقدیری در موردش صورت نگرفته تقدیر کرده و ایجادش می‌کند.

بر این اساس است که دعا و توجه و امید و تربیت معنا پیدا می‌کند و به همین جهت است که خداوند سبحان توبه قوم یونس را پذیرفت و بلا و عذاب را - بعد از آنکه بر آنها می‌خواست فرود آید - از آنان برطرف کرد.

فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها إلا قوم يونس لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في الحياة الدنيا و متّعناهم إلى حين. (۲)

هیچ شهری نبود که ایمان بیاورد و ایمانش به حال آنها سود بخشد، مگر قوم یونس که وقتی ایمان آوردند، عذاب سرافکنندگی آور را در زندگی دنیا از آنان برداشتیم و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم.

مرحوم آیه الله ملکی میانجی در توضیح آیه مذکور می‌فرماید :

آیه کریمه به صراحت دلالت دارد که قوم یونس اصرار به کفر و نافرمانی داشتند و



حضرت یونس علیه السلام آنها را نفرین کرد و خدای سبحان نفرین او را اجابت کرد و عذاب بر آنها فرستاد. آنگاه که عذاب بر آنها حلول می‌کرد و آن قوم دیدند که عذاب آنها را احاطه کرده، نادم و پشیمان شدند و متذکر شدند و از همه چیز بریده و به خدا روی آوردند و ناله و بی‌تابی می‌کردند و خدا را می‌خواندند که عذاب را از آنها بردارد. پس خدای تعالی توبه آنها را پذیرفت و عذاب را از آنها برداشت و آن را به نعمت تبدیل کرد. پس خدای سبحان از امر خلقت و آفرینش فارغ نشده بلکه او را هر روز شأن و کاری جدید است. یعنی هر روز، تازه‌ای را که وجود نداشت، پدید می‌آورد و کهنه‌ای را که موجود بود محو می‌کند. (۱)

این در اثر توبه و بازگشت به خدا و دعا با قطع امید از دیگران به هنگام قرار گرفتن در معرض بلا و عذاب الهی بود که قوم یونس را از آن رهانید و خداوند سبحان آنها را از عذابی که نزدیک بود همه آنها را دربر بگیرد نجات داد. البته به تصریح آیه کریمه، این توبه و دعا فقط در مورد قوم یونس سودبخش بوده و همه جا این‌گونه نیست که به هنگام مشاهده عذاب، توبه و بازگشت به خدا و دعا تأثیر داشته باشد. به همین جهت امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

الدعاء یردّ القضا، المبرم بعد ما أبرم ابراماً. (۲)

دعا قضای حتمی و تثبیت شده را - بعد از آنکه حتمی شده - بازمی‌گرداند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

إنّ الدعاء یردّ ما قدّر و ما لم یقدّر.

قال: قلت: جعلت فداك: هذا ما قدّر قد عرفناه، أفرأیت ما لم یقدّر؟

قال: حتّی لا یقدّر. (۳)

همانا دعا امر مقدر شده و مقدر نشده را برمی‌گرداند.

راوی می‌گوید: گفتم: فدایت شوم! بازگرداندن امر مقدر شده را دانستیم. درباره

امر مقدر نشده چه می‌فرماید؟

فرمود: مقدر نشده را از تقدیر شدن باز می‌دارد.

پس تأثیر دعا در امر خلقت و تغییر تقدیرات الهی از نظر متون مقدس دینی، امری مسلم است که جای هیچگونه شک و تردید در آن نیست. این نکته، جایگاه بلند دعا و ارزش و کرامت دعاکنندگان نزد خداوند سبحان را نشان می‌دهد. پس بر مؤمنین است که هیچگاه از دعا غفلت ننموده و برای هر چیزی دست به درگاه خداوند سبحان بردارند و از این امر هیچ خجالتی به خود راه ندهند که خداوند کریم و مهربان، از همه آنان که به درگاهش روی می‌آورند، استقبال شایان به عمل می‌آورد و آنان که زیادتیر و برای همه چیز اعم از کوچک و بزرگ دست نیاز به سویس دراز می‌کنند محبوب او هستند و در نزد او مقرب‌اند. امید است که خداوند سبحان توفیق دعا را از ما و خوانندگان گرامی سلب ندارد و دعاهای ما را به اجابت مقرون فرماید.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- اصفهانی، میرزا مهدی، معراج القرب و اللقاء، چاپ سنگی.
- ۴- صدوق، محمدبن علی، التوحید، تحقیق سید هاشم حسینی طهرانی، جامعه مدرسین، قم.
- ۵- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی - قم.
- ۶- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب - طهران.
- ۷- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دارالکتب - تهران.
- ۸- معجم الوسیط، تعدادی از نویسندگان. المكتبة العلمیة - تهران.
- ۹- ملکی میانجی، محمد باقر، مناہج البیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - تهران.
- ۱۰- ملکی میانجی، محمد باقر، ترجمه توحیدالامامیه، مؤسسه نبأ - تهران.

